

نقش مسجد

در شکل‌گیری مناسبات فرهنگی اجتماعی

غلامرضا گلی‌زاده

مسجد الحرام قلب جهان اسلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۱ نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد،
همان است که در مکه می‌باشد؛ جایی که سبب برکت و هدایت برای
جهانیان است. بنابراین، نخستین کانون توحیدی و عبادی و با سابقه‌ترین
مکانی که مردم در آن به عبادت مشغول بوده‌اند و با پروردگار خویش
نیایش می‌نموده‌اند، خانه کعبه است؛ همان‌جایی که قبله تمامی مسلمانان
بوده است و مراسم عبادی سیاسی حج را کثیری از مسلمانان در آن
به جای می‌آورند. براساس تأکید قرآنی، این مکان از سوی خداوند کانون
امن و امان اعلام شده و مقررات مهمی برای تحقق این موضوع از سوی
شارع مقدس وضع گردیده است که رعایت آن‌ها الزامی و اجتناب‌ناپذیر
است. مورخان می‌گویند: خداوند فرشته‌ای را به سوی حضرت آدم
فرستاد و محل این خانه و حدودش را به وی نشان داد و او نخستین کسی
بود که این خانه را ساخت و در آن نماز گزارد.^۲ ابن‌عباس،

^۱ - آل‌عمران: ۹۶ .

^۲ . ابن‌رسته، الاطلاق النفیسه، ص ۲۴ .

مفسر معروف نیز بر این موضوع تصریح دارد.^۳ این خانه در توفان نوح هم آسیب دید و حضرت ابراهیم علیه السلام از سوی پروردگار متعال مأمور گردید نسبت به تجدید بنای آن اقدام کند. این مکان مقدس روبروی بیت المعمور در آسمان و مقابل عرش الهی می‌باشد.^۴ ساختمان کعبه در میان مسجد الحرام قرار دارد که در حقیقت، منشأ تأسیس شهری به نام مکه گردیده است؛ معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسجد مذکور بود که بر مساجد دیگر برتری و فضیلت دارد و طاعات و عباداتی که در آن به جای آورده می‌شود ثوابی فزون‌تر در پی خواهد داشت.^۵ برای هر فرد مسلمان در هر نقطه‌ای از جهان که باشد، مسجد الحرام و خانه کعبه مفهوم خاصی دارد. دست‌کم او در پنج نوبت در شبانه‌روز، از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه مکه می‌نماید، همه نگاه‌ها به هنگام نماز متوجه جهتی می‌شود که همان قبله‌گاه مسلمین است. در واقع، همه نگاه‌ها از هر نقطه دایره بزرگ شهر اسلامی که متوجه مرکز ثقل می‌شود، بر نگاه دیگر اصابت می‌نماید، اما مانند انعکاس در آینه، که جنبه مذهبی و اجتماعی فوق‌العاده مهمی دارد. این فضای والا و متعالی که در مکه واقع است، معرف نظامی از اصول، ارزش‌ها و معیارهای مقدس، اما مشخص و دقیق است. این برنامه اصلی را بر جامعه اسلامی حاکم می‌کند که فراتر از زمان و مکان جغرافیایی است و امت واحده را در اذهان تداعی می‌نماید. جامعه‌ای که يك سری آداب

³ . ارزقی، اخبار مکه، ص ۷ .

⁴ . ملا فتح‌الله کاشانی، تفسیر منهج‌الصادقین، ج ۱، ص ۳۸ .

⁵ . طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۴۷۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۷ .

و روش زندگی را مشترکاً رعایت می‌کند، روی به سوی قبله واحد می‌آورد، که اگر استمرار یابد، همان بنیان مرصوص را که قرآن بر آن تأکید می‌کند به وجود می‌آورد؛ وحدت استواری که می‌تواند بر معماری شهرها و محل سکونت مسلمانان اثر بگذارد و مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم پدید آورد. *پروفسور نجم‌الدین یمات* (۱۹۸۵ - ۱۹۲۲ م) می‌نویسد: «مکه تنها يك جهت است برای نماز گزاردن و مکانی است برای تجمع و برای زیارت نه يك پایتخت. مکه مرکز جهان اسلام می‌باشد، زیرا محور کلیه مسیرهاست البته نه به صورت مرکز يك دولت...»^۶.

مکه در واقع شهر عبور است؛ در وهله اول، يك سفر معنی می‌دهد و جاده‌ای برای مؤمنان و کاروانیان گذشته و مسافران امروزی که از همه نقاط دنیای اسلام به آنجا می‌آیند. اعراب بدوی گروهی هستند در میان بقیه، عده بی‌شماری از افریقا و آسیا و از تمام مناطق دنیا بدین سو می‌آیند، ترکستانی‌ها در کنار افغانی‌ها، پاکستانی‌ها و اندونزیایی‌ها دیده می‌شوند؛ همچنان‌که از ایران و مالی و فیلیپین به جمع مسلمانان می‌پیوندند. در هیچ مکانی مانند مکه وجود امت واحده به این شکل احساس نمی‌شود؛ جامعه‌ای متحد در حرم امن الهی در مسجدالحرام و سایر مکان‌های مقدس مکه که وجه مشترك آنان مراسم حج است و راز و رمز فروزانی در آن نهفته است.^۷ اهل معرفت و اصحاب بصیرت

^۶ . نجم‌الدین یمات، *شهر اسلامی*، ترجمه دکتر محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، ص ۲۴ .

^۷ . در باره اسرار و رموز حج نك: محدث نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۲، باب ۱۷، حدیث امام سجاد علیه‌السلام .

در این جا حکم توحید را از سرّ به علّٰن و از باطن به ظاهر سرایت می‌دهند و جهات گوناگون خویش را در وحدت فانی می‌نمایند. از این رو، راز «لاشرقیه و لاغربیه» را در می‌یابند و با توجه ظاهری به عین کعبه حق را با تمام وجود و همراه با جمعی کثیر مشاهده می‌نمایند.^۸

مسجدالنبی و پرتو پرتابش آن

آنچه که مکه و مدینه را مکمل هم می‌کند این است که مکه يك جهت و مرکز حج و زیارت به سوی مکانی بالاتر است و مدینه جاگاه مسجدی است که خاتم رسولان آن را بنیان نهاد. این شهر مرکز حکومت اسلامی و کانون تلاش‌های فرهنگی - اجتماعی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گشت. این مکان با ورود پیامبر بدان، از یترب به شهر پیامبر تغییر نام یافت و با اشتیاق تمام به آن حضرت و اصحابش (مهاجرین) پناه داد. انتخاب این محل برای اقامت و هجرت بدان سوی از سوی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، يك تصمیم شخصی نبود، بلکه به مشیت الهی وابسته بود. اولین تلاش آن مصطفای پیامبران در مدینه، ساختن يك مسجد بود.^۹ در نخستین سال هجرت، بنای مسجدالنبی با سنگ و گل آغاز شد و در نهایت سادگی احداث گردید. ستون‌هایش تنه درخت خرما و سقف آن از شاخه‌ها و برگ‌های گیاهان پوشیده شده بود. کف آن با حصیر مفروش و بدون هرگونه آلاشی برای عبادت پیامبر و یاران و اصحابش آماده شد. در ادوار گوناگون، خلفا و امیران مسلمان بر توسعه و تأسیسات مسجدالنبی افزودند تا به تدریج شکل کنونی را به دست آورد که شامل دو قسمت قدیم

^۸ . احمد رضا معتمدی، *میانی هنر موعود*، ص ۹۹ .

^۹ . *شهر اسلامی*، ص ۱۸۷ .

و جدید می‌باشد. این بنای مقدس به همراه بارگاه مطهر حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر سیمای شهری و معابر و فرایندهای اجتماعی - فرهنگی مدینه اثری قابل ملاحظه گذاشته است. مدینه به برکت چنین بناهای مبارک و مساجد و اماکن مذهبی دیگر، حرمت فوق‌العاده‌ای به دست آورده است. به همین دلیل، شکار، قطع اشجار و کندن بوته در این ناحیه و حوالی آن، همچون مکه، حرام است و رسول خدا فرموده‌اند: «حضرت ابراهیم مکه را حریم قرار داد و برای مردمش دعا کرد. من نیز مدینه را حرم امن قرار دادم».¹⁰

بهترین خیابان‌های مدینه و طولانی‌ترین آن‌ها در غرب مسجدالنبی قرار دارد که بناهای با شکوهی را در خود جای داده است. خیابان‌ها و کوچه مهم دیگری از مسجدالنبی با سایر معابر و مناطق مسکونی تجاری مدینه ارتباط می‌یابد و گویی تابش درخشان این فضای مقدس مدینه را در موجی از ابهت، صلابت، معنویت و مباحثات قرار می‌دهد.

نکته جالب این است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای آنکه آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در يك واحد معماری برپا کرد و خانه‌های صحابه و مهاجرین و انصار در اطراف آن استقرار یافت. تعداد بسیاری از مسلمانان زاهد و اهل تعبد تحت عنوان «اهل صفه» در حوالی مسجد می‌خوابیدند. در کنار مسجد خیمه‌ای به عنوان بیمارستان برپا شد و مکانی به امور نظامی اختصاص داشت؛ زیرا دین مبین اسلام تمامی ابعاد زندگی بشر را در برمی‌گیرد و از

¹⁰ . ابراهیم رفعت پاشا، *مرآة الحرمين*، ص ۴۲۷ .

این روست که تمامی ساختمان‌های مهم اجتماعی و عمومی و حیاتی در اطراف مسجدالنبی تمرکز می‌یابند.^{۱۱} در جای جای مدینه مساجدی پر خاطره، تاریخی و مهم وجود دارد که در تعدادی از آنها پیامبر نماز گزارده‌اند،^{۱۲} اما متأسفانه از میان آنها مساجدی همچون مسجدالزهر (فاطمه علیها السلام)، المنارتین، المائده و الثنایا توسط گروهی جهالت پیشه و دارای افکار منحط تخریب گردیده‌اند.^{۱۳} در هر حالی که پاسداری از اصالت هر امتی از رهگذر حفظ هویت فرهنگی آن امکان‌پذیر می‌باشد و امت مسلمان به وسیله دستاوردهای فرهنگی خویش از دیگر ملت‌ها باز شناخته می‌شود و تداوم استقلال جامعه اسلامی در پرتو نگاهداری آگاهانه از آثار ارزشمند تاریخی، بخصوص مساجد و مکان‌های مقدس آن هم در حرمین شریفین می‌باشد و هرگونه مسامحه در حفظ این سرمایه‌های گرانبها، اصالت و هویت مذهبی و ارزشی را در معرض خطر و خدشه قرار می‌دهد، وجود چنین آثاری نسل‌های آینده را به ژرفای تاریخی خود رهنمون می‌سازد.

مسجد، اولین بنای شهر کوفه

شهر کوفه در سال هفدهم هجری در جایی بین حیره و فرات که آب و هوای بری و بحری داشت به عنوان دارالهجریه و منزل الجهاد احداث گردید. منظور از عمران این شهر آن بود که محلی دایمی برای اقامت رزمندگان اسلام، که مشغول فتوحات شرقی بودند، فراهم آید.

11 . صالح لمعی مصطفی، مدینه منوره، ترجمه صدیقه و سمدی، ص ۱۸ - ۱۹ .

12 . ابوزید عمر بن شبّه النمیری البصری، نك: تاريخ المدينة المنوره، ج ۱، ص ۷۹ - ۵۷ .

13 . حمزة الحسن، الشیعه فی المملكة العربیة السعودیة، ج ۲، ص ۲۰۹ - ۲۰۸ .

اولین بنای کوفه مسجد آن بود که توسط مهندسی ایرانی به نام روزبه طراحی شد. وی برای این مکان طرحی ریخت که شامل دو قسمت می‌شد؛ در بخش اول، مسجد وسیعی قرار می‌گرفت که رواقی به مساحت دوپست ذراع با ستون‌های مرمر و سقفی هموار داشت. خندق اطراف مسجد حفر نمودند تا مردم در داخل و نیز در حریم آن بنایی نسازند. در سطح شهر پانزده راه اصلی ساخته شد که تمامی آن‌ها به کانون مهم شهر، یعنی مسجد، ختم می‌گردید. پنج معبر از پشت صحن مسجد، چهار معبر از سوی قبله، سه معبر از سمت شرق و سه معبر از مغرب مسجد عبور داده شد. اطراف این معابر اصلی را براساس اهمیتی که برایشان قایل بودند، ناحیه‌بندی کردند. آن‌گاه بر حسب اهمیت، مشخصات و موقعیت اجتماعی قبایل برای خانه‌سازی میان سکنه کوفه تقسیم گردید. طبری می‌نویسد: هنگامی که اراده ساختن شهر کوفه را کردند، اولین چیزی که نقشه آن ترسیم و بنا گردید مسجد بود. مردی در وسط ایستاد و از چهار طرف تیری پرتاب کرد تا حدود چهارگانه مسجد تعیین گردید. مسجد در زمین چهارگوشی بود که از هر طرف کشیده بودند و در جلو آن رواقی ساخته شد.^{۱۴} همین اعتقاد به بنای مشخصی برای عبادت، اثری ژرف در طرح و نقشه کوفه گذاشت. از این رو، محله‌ها، بخش‌ها و اجزای شهر در بافتی یگانه با مسجد جامع پیوستگی و پیوند تنگاتنگی برقرار نمودند. حتی در گسترش و توسعه شهر و انتقال پاره‌ای از نقش‌های چندگانه مسجد به خارج از آن، باز هم در جایگزینی فضایی و تعیین مقر این نهادها، سهولت ارتباط با مسجد همواره از اولویت کامل برخوردار بوده

است.^{۱۵} عنصری که به فضای مرکزی شهر شکل می‌داد «رحبه» بود. این واژه وسعت را تداعی می‌کند؛ می‌دانی در گستره شهر که جز در مواردی خاص به اشغال در نمی‌آید. این فضا در جنوب غربی مسجد قرار داشت. در منابع روایی شیعه، میدان مذکور با نام حضرت علی علیه‌السلام همراه است؛ زیرا وقتی کوفه را به عنوان مرکز حکومت برگزید، در گوشه‌ای از این فضا خانه‌ای محقر بنا نمود و از اقامت در مقر شهر اجتناب کرد. رحبه نقش مهمی برای مراسم اجتماعی - سیاسی و آماده باش نظامی داشته و بیشتر به مسجد تعلق دارد و جزئی از آن محسوب می‌شود. در قرن اول و دوم این فضا در مجاورت مساجد قابل مشاهده بوده است. در سال ۱۴۵ هـ به هنگام قیام شیعیان در مدینه، حاکم وقت به مردان مسلحی که به یاری‌اش آمده بودند فرمان داد تا زمان سرکوبی مخالفان، در رحبه اقامت نمایند. این منطقه که در برزخ بین مسجد و محلات مسکونی قرار داشته، مظهر تعمیر یافته ساختار شهری بوده است؛ جایی که همه سنت‌های ویژه در آن به یکدیگر پیوند می‌خوردند. آنچه مسلم است این که طرح اولیه کوفه که از نظمی خاص پیروی می‌کرده، می‌توانسته به ایجاد شهری بزرگ دارای فضای باز و هندسی بینجامد. توسعه آن دایم تحت کنترل بوده و برای جلوگیری از فشردگی، از جهت طولی به پیشرفت ادامه می‌داده است. اما در دهه‌های بعد، کوفه از این ساختار فاصله گرفت و روندی معکوس و در هم ریخته را پیش گرفت. گستره مرکزی شهر که خندقی آن را محدود می‌کرد و منطقه‌ای ممنوعه بود که کسی حق ساختن خانه در آن را نداشت، به زودی توسط مالکان خصوصی، که غالباً از افراد

اموی و از نزدیکان حاکم و در واقع، معاون زیاد و فرزندش *عبدالله* بودند، مورد دست‌اندازی قرار گرفت و به این وسیله مقدمات برهم خوردن سیمای شهری کوفه، که تا پیش از آن نظم و انسجام خود را بر حول محور مسجد حفظ می‌کرد، فراهم آمد.^{۱۶}

مساحت کنونی مسجد کوفه بالغ بر ۴۰۰۰۰ متر مربع می‌باشد و ساختمان آن شمالی جنوبی است و به مرور ایام تغییرات مهمی در شکل ظاهر و وسعت مسجد صورت گرفته است. از نخستین روز تأسیس این بنا، مسجد کوفه دارای اهمیتی زایدالوصف در زمینه‌های عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است. موقعیت خاص حکومت‌ها همچنان که سرنوشت کوفه را دگرگون می‌ساخت، در درجه اهمیت مسجد اثر می‌گذاشت. اوج توجه به آن در ابعاد گوناگون در زمان خلافت حضرت علی *علیه‌السلام* بود. این مسجد همچون مسجدالنبی رفته رفته به صورت مرکز علمی و فرهنگی پرچوش و فعالی در آمد و جایگاه بحث و تدریس هزاران جوینده دانش گردید و در آن دهها حلقه درس تشکیل می‌شد. مسجد کوفه از نظر اجتماعی و سیاسی اغلب پایگاه قدرت‌نمایی موافقان و مخالفان دستگاه حکومت به شمار می‌رفته است و به دلیل نزدیک بودن به دارالاماره، والی شهر نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای داشت. در شرافت و مقام بالای مسجد کوفه همین بس که یکی از چهار مسجدی است که طبق دستورات اسلامی به مؤمنان توصیه شده است تا هجرت کنند و خود را به این چهار مسجد برسانند. این مساجد عبارتند از: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی و مسجد کوفه. بنا به روایات

16 . هشام جعیت، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ص ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۵۹، ۲۴۳۵ و ۲۵۵.

مستند، در مکان کنونی مسجد کوفه پیش از خلقت آدم، فرشتگان عبادت می‌کرده‌اند و محلی است که مشمول برکت خداوند شده و جایگاه عبادت آدم و سایر انبیا، اولیا و صادقین بوده است.^{۱۷} منابع روایی تأکید کرده‌اند وقتی حضرت مهدی علیه‌السلام قیام کند کوفه را مقر حکومت خود قرار داده و پرچم حق و عدالت را در این دیار به اهتزاز در می‌آورد.^{۱۸} امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده‌اند نماز خود را در مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین تمام بخوانید. برای مسجد کوفه فضایل و اعمالی ذکر شده که در کتب ادعیه چگونگی آنها ذکر گردیده است.

سیر تاریخی جهاد مسجدسازی

توصیه به احداث مسجد و تأکید بر عمران و آبادانی آن از سوی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام، موضوعی است که در گسترش کمی و کیفی مساجد شهرها و روستاهای جهان اسلام تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: «**ابنوا المساجد و اجعلوها جما**»؛^{۱۹} مساجد را بنا کنید و آنها را محل اجتماع خود قرار دهید. امام صادق علیه‌السلام متذکر گردیده‌اند: «**من بنی مسجداً بنی الله له بیتا فی الجنة**»؛^{۲۰} کسی که مسجدی تأسیس کند خداوند برایش منزلی در بهشت بنا می‌نماید. خاتم پیامبران آباد نمودن مسجد را از خصال اهل مروت

17 . سیدحسین بن سیداحمدالبلاقی، *تاریخ الكوفه*، ص ۵۲ و ۵۴؛ محمدبن جعفرالمشهدی، *فضل الكوفه و مساجدها*، ص ۳۹ .

18 . *بحار الانوار*، ج ۱۳؛ *ارشاد مفید*، ص ۳۹۳ .

19 . شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۴۸۵ و ۴۸۷؛ محدث قمی، *سفینه البحار*، ج ۱، ص ۶۰۰ .

20 . *بحار الانوار*، ج ۸۳، ص ۳۶۴ .

دانسته^{۲۱} و در جایی دیگر تأکید نموده‌اند عذابی که از آسمان فرود می‌آید خداوند متعال، بانیان و آبادکنندگان مسجد را از آن مصون می‌نماید.^{۲۲}

مسلمانان از صدر اسلام این توصیه‌ها را به‌کار بستند و برای احداث مسجد، آن هم به بهترین وجه و در مکانی مناسب و مرکزی، این کانون عبادی و معنوی را بنیان نهادند تا عطر روح افزای آن مشام جان و قلب مؤمنان را بنوازد. اولین مسجد در قبا، حومه مدینه بنا شد و سپس مسجد مدینه بنیان گردید. رهنمودهای پیامبر به ساخت، نگهداری، دایر نگه داشتن و طهارت و رفتن به مسجد چنان شور و شوقی در اعماق دل مسلمانان پدید آورد که از همان صدر اسلام به ساختن مسجد در تمامی سرزمین‌های اسلامی به عنوان يك عمل با اجر عبادی مورد رضایت حق تعالی توجه می‌شد. هماهنگ با رشد و توسعه بلاد اسلامی مساجد به صور گوناگون در سطح زمین ظاهر گشت و به صورت شبکه یا نواری ویژه از پدیده‌های شناخته شده جغرافیایی در آمد. نخستین مساجد بسیار ساده ساخته می‌شد و نسبتاً کوچک می‌نمود؛ دیواری گلی و چند تنه درخت خرما که سقفی از شاخه‌های خرما داشت. در واقع، هدف این بود که نمازگزاران در مقابل تغییرات شدید جوی حفظ شوند. این پدیده با نمونه قدیمی تمام مساجد متداول زمان که دارای يك صحن و يك حرم بود مطابقت داشت.^{۲۳}

کریستین پرابیس می‌نویسد: نخستین مسجدهای عربستان به روزگار حضرت

21 . همان، ج ۸۴، ص ۱ .

22 . نهج الفصاحه، کلام ۶۸۲، ص ۱۳۷ .

23 . ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، ص ۱۲ .

محمد صلی الله علیه و آله محدوده‌های مستطیلی بود که يك سوی آن برای پرهیز از باد و باران سقف داشت. در اتاق سرپوشیده نه محرابی بود و نه مجسمه‌ای از پاکان؛ گذاشتن مجسمه و تصویر موجودات زنده در مسجدها حرام بود. اثاث مسجد نیز مانند ساختمانش ساده بود. در حیاطش حوضی بود که مؤمنان در آن وضو می‌گرفتند. به شبستان یا جایگاه نماز با پای برهنه می‌رفتند.^{۲۴}

به زودی احتیاج به داشتن بناهایی استوار احساس گردید و به معماران وسعت عمل بیشتری برای مسجدسازی داده شد. به تدریج ساخت رواق، محراب، ایوان، گلدسته و گنبد متداول گردید و ساختن مساجد باشکوه، با عظمت و با معماری‌های پرجاذبه فصل جدیدی در احداث این بنای مقدس گشود و رفته رفته ساخت آن در مقیاس عظیم در تمامی سرزمین‌های اسلامی مرسوم گشت. صرف‌نظر از ویژگی‌های اقلیمی و چگونگی پیدایش شهرها و موقعیت جغرافیایی آن‌ها و جنبه‌های کاربردی هر شهر، تلاش گردید نه تنها در شهرهای قدیمی و آبادی‌های جدید، مسجدسازی برای حفظ شعایر دینی امری عادی تلقی گردد، بلکه به منزله يك امر ضروری برای حفظ شئون سیاسی و اجتماعی سازنده آن به شمار آمد. در زمانی که اوضاع مناسبی بر سرزمینی حکمفرما بود، شمار مسجد فزونی می‌یافت؛ از جمله شهرهای قاهره، اسکندریه، بغداد و بصره در سده‌های آغازین اسلامی به دارا بودن مساجد متعدد و باشکوه شهرت یافتند.^{۲۵} در واقع، بالندگی هر شهر

²⁴ . کریستین پرایس، *تاریخ هنر اسلامی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۲ - ۱۳ .

²⁵ . عباس زمانی، «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد»، *مجله هنر و مردم*، شماره ۱۶ .

به شمار و شکوه مساجد وابسته بود. ناصر خسرو می‌نویسد: «و در شهر مصر - غیر قاهره - هفت جامع است، چنان‌که به هم پیوسته، و به هر دو شهر پانزده مسجد آدینه است که روزهای جمعه در هر جای خطبه و جماعت باشد. در میان بازار مسجدی است که آن را باب‌الجوامع گویند و آن مسجد به چهارصد عمود رخام قائم است و آن دیوار که محراب بر اوست سرتاسر تخته‌های رخام سپید است و جمیع قرآن‌ها بر آن تخته‌ها به خطی زیبا نوشته و از بیرون به چهار حد مسجد بازارهاست و درهای مسجد در آن گشاده و مدام در آن مدرسان و مقربان نشسته و سیاحتگاه آن شهر بزرگ مسجد آن است و هرگز نباشد که در او کمتر از پنج هزار خلق باشد».^{۲۶}

شکوه معنوی شهرها

از سال ۱۲۴ هـ مسلمانان توانستند بر اسپانیا مستقر شوند و سلسله مستقل را در این ناحیه تأسیس نمایند. در پرتو حمایت فرمانروایان حاکم بر این منطقه، سبکی ممتاز و اصیل در معماری اسلامی پدید آمد که بزرگترین اثر بر جای مانده از آن، مسجد غرناطه است که بنای آن از سال ۱۶۳ هـ آغاز و در ادوار بعدی پیوسته ساختمانی بدان افزوده شد. جایی که محراب قرار داشت، امروز دارای نوزده شبستان و سومین مسجد بزرگی است که هنوز پا برجای مانده است. به جز این مسجد، آثاری تاریخی که از دوران اسلامی در قرطبه باقی مانده، مسجدی کوچک به نام «باب مردم» و شهر کاملی که آن را «مدینه‌الزهرا» می‌گفتند و بعدها متروک

گردید، در این قلمرو وجود دارد. از حفاری‌هایی که در این شهر پدید آمده، استفاده می‌شود که در آرایش دیوارهای منازل و گچبری‌های ساختمان‌های مسکونی، به‌خصوص سقف مسطح خانه‌ها، از مسجد قرطبه الهام گرفته شده است.^{۲۷} پرایس در این باره نوشته است: مایه سرافرازی قرطبه مسجد جامع آن بود که یکی از مقدس‌ترین مکان‌ها در نظر مسلمانان مغرب به شمار می‌رفت. زائران مسلمان از سرزمین‌های دور و نزدیک راه قرطبه را پیش می‌گرفتند و از میان دشت‌ها و کوه‌های سرسبز اندلس می‌گذشتند. این شهر در کرانه شمالی وادی‌الکبیر است، خانه‌ها و باغ‌ها و بیشه‌های آن در بیرون بارو بود و در دو سوی آن این رود گسترده شده بود. مناره‌های بلند مسجدها را همچون راهنمایی برای زائران برافراشته بودند و از پل بلند بیرون شهر به چشم می‌خوردند. یک خیابان کوتاه و سراشیب از پل آغاز می‌شد و به دیوار غربی مسجد می‌رسید. زائران چون از دروازه به حیاط و از آنجا به شبستان مسجد می‌رسیدند، خستگی این سفر دراز از تن‌شان می‌رفت و به جهان شور دینی گام می‌نهادند؛ می‌توانستند از میان درهای بزرگ شمالی مسجد تا گوشه‌های دوردست شبستان را مشاهده کنند. ردیف‌های درخت پرتقال سایه دلپسندی بر حیاط می‌افکند و قطارهای تنه باریک درختان تا درون ساختمان گویی ادامه می‌یافت، اما در درون ساختمان مسجد مبدل به ستون‌های مرمرین می‌شدند که تا محراب پشت سر هم قرار داشتند. اگرچه اکنون مسجد مذکور تبدیل به کلیسا شده، اما هنوز به دشواری می‌توان چنین موضوعی را باور کرد.^{۲۸}

²⁷ . تالبوت راپس، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، ص ۸۹ - ۸۸ .

²⁸ . تاریخ هنر اسلامی، ص ۲۵ - ۲۶ .

شهر فاس به خودی خود نمونه کامل از شهری است که با تمدن اسلامی هماهنگی دارد. جدایی بین شهر و زمین‌های اطراف محسوس است. سبزی سرامیک بام‌ها در نور خورشید می‌درخشد و در برابر سبزی متمایل به خاکستری درخت‌های زیتون قرار می‌گیرد اما جالبی فاس بدان جهت است که اماکن مقدس مذهبی و در رأس آن‌ها مساجد، به شکوه آن افزوده‌اند. مسجد القرویین سند محکمی است برای سنجیدن فاس در حالی که سایر بناهای آموزشگاهی آن را تکمیل می‌کنند. پلان شهر به صورت دوایر متحدالمرکز است و مشاغل از مجاور مساجد قدیمی آغاز می‌شوند. احمد سفرلویی نظم شهر را چنین تشریح می‌کند: «... شهر فاس انعکاس مفهوم متافیزیکی خاص اسلام است. شهر پیرامون کانونی از زندگی مذهبی و اجتماعی برپا شده است. در اینجا مسجد، حمام، مکتب‌خانه و محکمه قاضی قرار دارد. سپس نوبت به راسته بازارهای مربوط به مشاغل با ارزش می‌رسد. متأسفانه اخیراً جغرافیای شهر تغییر کرده و ترکیب آن به هم ریخته و مساکن قدیمی قطعه قطعه گردیده و به صورت آپارتمان درآمده‌اند و بدین گونه سه چهارم شهر تجزیه شده است. با این وجود، شهر فاس شایستگی این را دارد که به دلیل غلبه فضاهای مذهبی و حفظ شکوه فرهنگ سنتی از نمونه‌های بارز شهرهای اسلامی باشد».^{۲۹}

انوار درخشان

ترکمن‌ها یا عثمانی‌ها که از ایران آمده بودند، پیش از نفوذ در بخش ترکیه

اروپایی و حضور در قسطنطنیه، در سال ۱۴۵۳ میلادی در آناتولی یا آسیای صغیر ظاهر شدند. در آناتولی آن‌ها نخستین عناصر هنری خود را به‌ویژه در بناهای شهر قونیه عرضه داشتند. در مساجد سبک عثمانی، چهارگوشی وسیع با گنبدی کمخیز را می‌توان دید. دو سوی این فضا به شکل دو تالار نیمه مدور که با نیم گنبدها پوشیده شده‌اند گسترش یافته است و دو سوی دیگر با قوس‌های بزرگ به پشتیانی‌های ستبر متصل شده‌اند. البته به تدریج در این معماری تغییراتی پدید آمد. مهم‌ترین نیازهای هنر اسلامی عثمانی عبارتند از: مسجد بایزید در قسطنطنیه که قدیمی‌ترین بنای این سبک به شمار می‌رود، مسجد سلیمانیه و مسجد احمد اول.^{۳۰} مسجد ملکه صفیه اصیل‌ترین مسجد عثمانی در قاهره است که اقتباسی از بناهای مذهبی استانبول به‌خصوص مسجد جراح پاشا و ادرنه می‌باشد. مسجدالجدید (مسجد ماهیگیران) که در سال ۱۰۷۱ هـ به ابتکار مبارزان الجزایری ساخته شده به سبک گنبد مرکزی و چهارگنبد کناری آن، سیمایی عثمانی دارد.^{۳۱} محمد بن ابوزهب، که در مصر به قدرت رسید، اگرچه در آرزوی سلطه کامل به این دیار و استقلال از قدرت عثمانی بود، اما خود را برای پذیرش اطاعتی ظاهری از باب عالی آماده کرد. ساختن مسجدی به سبک عثمانی در محیطی مهم و معتبر، به مثابه اثبات آشکار وفاداری به سلطان بود.^{۳۲} مسجد تربت در

30 . ج هوگ هانری مارتن، *سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی*، ترجمه پرویز ورجاوند، ص ۲۲۴ - ۲۲۲ .

31 . آندره ریمون، *شهرهای بزرگ عرب اسلامی در قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری*، ترجمه حسین سلطان‌زاده، ص ۱۱۲ - ۱۱۱ .

32 . همان، ص ۱۲۱ .

تونس نیز تأثیر پذیرفته از فضاهای مسجد امپراتوری عثمانی می‌باشد؛ زیرا مناره آن با چهارگوش و مقطع هشت گوش مناره‌های عثمانی را به خاطر می‌آورد، اگرچه شکل گلدسته یا ماذن آن اصیل است.^{۳۳} تمامی این بناهای مقدس در سیمای عمومی شهرها هویتی مستقل، تعیین‌کننده و فرازمند داشته‌اند و بناهای دیگر از این کانون به سوی دیگر نقاط شهر شکل می‌گرفته‌اند. دیوید تالیوت رابیس می‌نویسد: مشهورترین و قشنگ‌ترین این مساجد، مسجد سلطان سلیمان در قسطنطنیه است که در موضعی بلند و مسلط بر شاخ طلایی ساخته شده است. گنبد عظیم آن را چهار ستون مربع نگاه داشته، چهار مناره دارد، دو تا پهلوی در ورودی و دو تا در دو انتهای حیاط جلو. در کنار این مسجد شمار زیادی بناهای فرعی ساخته بودند؛ زیرا در بیشتر موارد مدرسه‌ای به زیربنای مسجد افزوده می‌شد و حجره‌های گوناگون برای زندگی طلاب و خدام مساجد نیز در نظر گرفته می‌شده است. بر مساجد بزرگتر بازارچه‌ای می‌افزودند و در نزدیکی آن‌ها آرامگاه‌های با شکوه می‌ساختند و بدین‌گونه مسجد کانون مهمی برای شهرها به شمار می‌آمد.^{۳۴}

سلجوقیان با اینکه قومی بیابان‌گرد بودند، همین که با فرهنگ اسلامی آشنا شدند، حمایت از آن را وجهه همت خویش قرار دادند و در گسترش بناهای مذهبی تا آنجا پیش رفتند که به معماری ایران با تأثیرپذیری از ارزش‌های دینی شکوه ویژه‌ای بخشیدند.^{۳۵} آنان وقتی اصفهان را مرکز حکومت قرار دادند. در این شهر مسجدی ساختند که

³³ . همان، ص ۱۴۳ .

³⁴ . هنر/اسلامی، ص ۲۰۹ - ۲۰۸ .

³⁵ . ناصرالدین شاه حسینی، سیر فرهنگ در ایران، ص ۲۷۹ .

پایه‌ای برای ساختمان دیگر مساجد ایران گردید. اگرچه این مکان مقدس به دست نسل‌های بسیاری از هنرمندان و معماران در اعصار بعد دگرگون و تعبیر شده است، ولی برای دیدن هنرمندی سلجوقیان باید به سوی قبله رفت و از ایوان جنوبی گذشت و به شبستان پشت آن گام نهاد، در این حال، بر فرازمان گنبدی استوار و نیرومند قرار دارد که زبردستی معمار را در بنا نهادن آن بر سطحی چهارگوش می‌توان دریافت. این گنبد که در چشم‌انداز عمومی اصفهان برجستگی دارد، در سال ۴۷۳ هـ ساخته شده است.^{۳۶}

پدیده اصلی معماری ایران در عصر سلجوقی، سبکی چهار ایوانی در احداث مساجد است که کامل‌ترین آن را می‌توان در مسجد جامع ورامین مشاهده کرد. سلجوقیان در اصفهان، گلپایگان، برسیان، اردستان و زواره مساجد تازه‌ای برآوردند که همه آنها به قدر کافی دارای ویژگی‌های مشترك در سبک و نقشه هستند. این بناها اگرچه به لحاظ مذهبی از قداست ویژه‌ای برخوردار شدند، در هویت فرهنگی و اقتدار اجتماعی این شهرها مؤثر بودند و در سیمای شهر، توسعه آبادی‌ها و رشد و گسترش برخی مشاغل و شکل واحدهای مسکونی حضور با صلابت خویش را بروز دادند و چنین ویژگی به حدی قوی است که هنوز می‌توان آن را مشاهده نمود.^{۳۷}

در عهد صفویه سبک قدیم معماری ایران در احداث بناهای مذهبی تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح جای خود را باز کرد.

³⁶ . تاریخ هنر اسلامی، ص ۶۰ .

³⁷ . تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۵، گردآورنده: ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، ص ۲۵۵ - ۲۵۴ .

اما استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ برای تزئین رونق فراوان یافت، به گونه‌ای که ساختمان‌هایی همچون مساجد و مدارس از گنبد، ایوان، طاق‌نما، سر در ورودی، و حتی مناره‌ها با کاشی آراسته شد.^{۳۸} در این عصر همزمان با ظهور کاشی‌کاری، که با استقبال عموم مردم روبه‌رو شد، راه حل جدیدی برای سقف گنبدی پدیدار گردید و آن عبارت بود از تبدیل طرح چهارگوشه زیرینا به طرح مدور گنبد که هم ساده‌تر و هم عاقلانه‌تر به نظر می‌رسد. در مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد امام خمینی (مسجد شاه) اصفهان گنبدها بر گردن بلند استوانه‌ای شکل نهاده شده‌اند که دایره پیرامونی آن با نوک چهار سر طاق ساخته شده بر زوایای محوطه زیرگنبد و چهار سر طاق دیگر، مماس می‌باشد. معماری عصر صفوی زیبایی ویژه‌ای به مساجد داد و مردم نیز به زودی در ساخت مساکن و سایر اماکن این سبک را مورد توجه قرار دادند و نوعی معماری ملهم از مساجد به محلات مسکونی سرایت پیدا کرد، اما هیچ کدام از این بناها نتوانستند از شکوه و صلابت مسجد پیشی گیرند. گنبد مسجد امام خمینی بر فراز بناهایی که آن را احاطه کرده‌اند سر به آسمان کشیده است. گنبدی که توسط طبقه‌ای هشت ضلعی با طاق نماهای زیبا کاملاً به بناهای اطراف اتصال دارد، در عین حال، شکوه خود را در فضای شهر به طور مستقل بروز می‌دهد و هنوز هم با وجود گسترش بناهای چند طبقه سیمانی در شهر اصفهان، جلوه پراهمیت مساجد مذکور زیبایی و آراستگی خود را حفظ کرده که موجب مباهات معماری اسلامی است.^{۳۹}

³⁸ . محمد یوسف کیانی، *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، ص ۱۰۵ .

³⁹ . آندره گدار، یدآگدار، ماکسیم سیرو و دیگران، *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، ج ۲، ص ۲۰۹ - ۲۰۸ .

در طول زمان در بسیاری از شهرهای ایران بناهایی مجموعه‌ای ساخته شده که گروه ویژه‌ای را در معماری تشکیل می‌دهند. معمولاً این مجموعه‌ها با يك مسجد شروع می‌شوند و در طول زمان با اضافه کردن بناهای دیگر همچون مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زائر سرا و کاروان سرا به يك مجموعه بسیار زیبا و با شکوه تبدیل می‌شود.^{۴۰}

محبوب‌ترین و مهم‌ترین مکان

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: «احب البلاد الی الله مساجدها»؛^{۴۱} محبوب‌ترین مکان‌ها در شهرها مساجد هستند. این کلام گهربار آن خاتم رسولان در سیمای شهرهای جهان اسلام صورت عملی و عینی به خود گرفته است؛ زیرا مساجد مهم‌ترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته‌اند. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر جایی مسجد جامع یا آدینه نداشت، از اهمیت شهری محروم بود. مساجد جامع شهرهای ایران را نه تنها به خاطر کارکرد و رابطه مستقیم و وسیعی که با همه اقشار اجتماعی دارند، بلکه بیشتر به دلیل شکل فضایی و در هم آمیختگی با پیوندهای کالبدی یا بافت مسکونی، بازرگانی و خدماتی اطراف و نیز به دلیل واحد و قطب بودن، باید يك عنصر شهرسازی اولیه به حساب آورد. در زمان‌های گذشته مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بوده که به خاطر مراجعه مستمر همه قشرهای مردم شهر و به دلیل خلوصی که می‌تواند بالقوه داشته باشد، کانون انتشار هرگونه آگاهی نسبت به شرایط عمومی شهروندان و نحوه

40 . نك: تاريخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، فصل پنجم .

41 . نهج الفصاحه، ص ۱۳ .

زندگی و نظام اداری آنان محسوب می‌شده است و در همین مکان خیرهای نشر یافته به بحث گذاشته شده و انعکاس آن‌ها در افکار عمومی هم نقطه بازگشت خود را می‌یابد. اگرچه مسجد جامع مرکزی مذهبی است تا يك مرجع اجتماعی، اما شکل‌گیری افکار عمومی و جهت‌گیری‌های اهداف مربوط به آینده شهر در این مکان صورت می‌گرفته است و به همین لحاظ مسجد جامع شهرهای ایران بیش از هر چیز بنیادی است اجتماعی و فرهنگی مساجد جامع ایران در ارتباط با شرایط جغرافیایی و اقلیمی محل، تناسب و معادله‌ای مقبول بین سه نوع فضای سرپوشیده، نیمه باز و باز عرضه می‌کنند. این مکان که معمولاً بزرگ‌ترین و همیشه معتبرترین مسجد شهر است، در پی افزایش نیاز به آن یا همراه با فزونی یافتن قدرت مذهبی مسلمانان شهرها توسعه یافته و بخشی از فضای مسکونی مجاور را ضمیمه خود کرده است. اگرچه با وجود رشد صنعتی و توسعه روابط اجتماعی - اقتصادی و پیروی از الگوهای شهرسازی غربی، از قطب شهری بودن مسجد جامع کاسته شده، ولی هنوز هم به اتکای اعتبار عقیدتی و احترام معنوی که برای آن وجود دارد، به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصر به فرد شهر نقش خود را ادامه می‌دهد.^{۴۲} هنوز هم گنبد و مناره مسجد بلندترین ساختمان بسیاری از شهری کویری و نقاط مرکزی ایران به شمار می‌آید.^{۴۳} اگرچه کارکردهای متنوعی که این شهرها بر عهده دارند به همراه تغییرات آب و هوایی، پستی و بلندی، مصالح ساختمانی و ساختار اجتماعی و فرهنگی سیمای متفاوتی را عرضه می‌دارند، اما مایه سرافرازی آنان مسجد

42 . محمد منصور فلامکی، باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی.

43 . وینسنت فزانیس کاستلاو، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، ص ۳۹ .

می‌باشد.^{۴۴}

سازمان‌های دینی در شالوده زندگی شهری چنان اهمیتی به دست آوردند که مسجد جامع از ارکان اصلی نظام اجتماعی سیاسی شهر گردید و شهری را کامل معرفی کردند که عدالت در آن اجرا شود، دارای مسجد جامع باشد و نماینده حکومت یا مقر دولت در آنجا استقرار داشته باشد. به همین دلیل، در آغاز معمول نبود در شهرهای بزرگ بیش از یک مسجد جامع احداث گردد.^{۴۵} ولی به تدریج این سنت شکسته شد و گاه پاره‌ای از شهرهای بزرگ دارای جامع‌های متعدد بودند. *ابن جبیر*، سیاح مسلمان که در اواخر قرن ششم از بغداد دیدن کرده است. در باره آن می‌نویسد: «هفده محله دارد که هر محله‌ای شهری مستقل محسوب می‌گردد، هشت محله آن دارای مسجد جامع است که نماز جمعه در آنها برپا می‌گردد».^{۴۶}

در شهرهای اسلامی برای نمایش جلال معنوی و شکوه و بالندگی ظاهر مساجد بزرگ، بویژه مسجد جامع، جهدی تمام به خرج می‌دادند. گرچه غالب این مکان‌های مقدس به فرمان حکمران یا توانگری صاحب نفوذ بنیاد می‌گردید، ولی اغلب کسانی که به گونه‌ای در ساختن بنا، طراحی و آرایش مسجد سهمی داشتند، به دلیل اعتقاد درونی و اشتیاق به معبود، در عمل از ایثار آنچه در توان داشتند دریغ نمی‌ورزیدند. همین ایمان و شوق آنان موجب گردید که معماری با شکوهی پدید آید و

44 . عباس سعیدی رضوانی، *بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی*، ص ۴۶، تیرماه ۱۳۵۳ .

45 . احمد اشرف، *ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۳ .

46 . *سفرنامه ابن جبیر*، ترجمه پرویز اتابکی، ص ۲۷۵ .

هنرمندان محلی با ابتکار و خلاقیت خویش رونق مسجد را بالا ببرند و بخش کوچکی از زیبایی‌های جهان هستی را، که جلوه‌ای از عظمت خداست، با آجرکاری‌های جالب، گچ‌بری‌ها، طاق و قوس‌ها و...، در حد توان به نمایش گذارند. در حقیقت، مردمانی با اخلاص و صداقت تمام از نان و آب خویش مایه گذاشته‌اند تا این بنا را بر پای دادند و آن را در طول اعصار و قرون از گزند بادهای شدید، تیغه سوزان آفتاب، ریزش‌های جوی، هجوم قبایل وحشی و تاخت و تازهای غارتگران حفظ کنند.⁴⁷ پیوند فضایی مسجد در قلب شهر و یا مراکز محلات شهر با سایر عناصر فعال شهری و منزلت فوق‌العاده‌ای که این مکان نزد عامه مردم دارد، امتیاز مضاعفی بدان بخشیده و زمینه‌ای مناسب برای کاربری آن به منزله جایگاه نهضت‌های رهایی‌بخش علیه اهل ستم فراهم ساخته است. بدین ترتیب، مسجد به عنوان مکانی مقدس و امن علاوه بر برقراری ارتباط با دیگر عناصر فیزیکی شهری در برقراری ارتباط با مردم، پناه دادن، هماهنگ کردن، بسیج نمودن و به حرکت درآوردن آنان در راستای اهداف اسلامی، از توان بسیار بالایی برخوردار بوده است. از این روست که در دهه‌های اخیر عوامل استکباری در راستای سیاست اسلام‌زدایی خود با ترفندهای گوناگون، از جمله تبدیل عناصر مذهبی شهر برای کاربردهای سودمندتر و یا تحت عنوان عمران شهر و رهایی از بافت‌های فرسوده و کهنه با بهانه آلودگی‌های زیست محیطی آنها، با تخریب بخش‌هایی حساس از عناصر مذهبی درصدد برهم زدن پیوستگی مسجد با دیگر فضاها و شهر و گسستن پیوند معنوی و روحی

47 . «جویبارهای جاویدان»، فصلنامه صحیفه مبین، زمستان ۱۳۷۵، ص ۴۹ .

مردم با این اماکن بر آمده‌اند.^{۴۸}

معماری اسلامی، نه عظیم به معنای شکوه آرمان‌ها و دست‌اوردهای تمدنی خاص است، چنان‌که در مورد رنسانس می‌بینیم، و نه مروج بیان ذهنی فرد، آن‌گونه که در معماری مدرن مشاهده می‌شود. تنها به این معنا عظیم و شگفت است که بناهای تاریخی خود را برای تعظیم خداوند بر می‌افرازد و هر يك از وجوه آن‌ها یادآور قدرت الهی است. هر چند معماری مقدس در اسلام، در مسجد تجلی می‌یابد، با این همه، مسجد هیچ‌گاه از بقیه محیط شهری جدا نبوده است. اسلام زندگی پیروان خود را به قلمروهای مقدس و غیر آن تقسیم نمی‌کند؛ امور معنوی در همه مظاهر محیط شهری جاری است و همه مناسکی که در مسجد اقامه می‌گردد در خانه‌های مسکونی و سایر اماکن شهری به جای آورده می‌شوند. ساختار محیط متراکم شهری از همه طرف مسجد را همچون شمعی مقدس و فروزان در میان گرفته‌اند و همه به يك سوی گرایش دارند. به همین دلیل، معماری شهرهای مذهبی یا سنتی جهان اسلام آدمی را از کثرت جهان بیرون می‌آورد و به قلمرو توحید و یکتاپرستی سوق می‌دهد. معماری که ریشه در سنت مقدس دارد، به هنگام نظم دادن به فضا این نظم را از فضای مادی به بیان نظم مقدس گسترش می‌دهد.^{۴۹}

نقش مسجد در بافت شهری

48 . بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۱۰۶ .

49 . راز و رمز هنر دینی (مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی) تنظیم مهدی فیروزان ، ص ۱۶۸ .

در مرکز شهر، مسجد جامع و فضاهای وابسته به آن، همراه با مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهر را به وجود می‌آورند. بعد از این بخش، معابر، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاص قرار گرفته‌اند، اما مسجد همچون چشمه‌ای با صفا جویبارهای معنوی خود را به سوی اماکن جاری می‌سازد و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می‌نماید.^{۵۰}

فضاهای شهری، خانه‌ها و معابر از ارزش‌هایی تأثیر پذیرفته‌اند که در مسجد بر آنها تأکید شده است. خانه شخصی فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به‌شمار می‌آید، پنجره‌ها کمتر به خانه‌های مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند، البته پنجره‌ها چنان مشبک تهیه گردیده‌اند که افراد داخلی بتوانند فضاهای اطراف و مناظر شهری را مشاهده کنند و بدون اینکه خودشان دیده شوند، مشغول تماشای بیرون گردند. درب محکم و سنگین مزین به چفت و بست و میخ‌کوبی، پیش از آنکه دروازه‌ای به سوی خیابان باشد، سدی در مقابل عابران و رهگذران اهل تجسس است. حتی کوچه ادامه خانه است و به عنوان دالان تلقی می‌شود تا آنکه معبری برای داد و ستد، گردش و وقت‌گذرانی باشد. وانگهی داد و ستد به بخش مشخص، یعنی بازار یا سوق اختصاص دارد. در شهرهای اسلامی کهن هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی‌کند؛ چرا که يك پیوستگی و تداخل پیچیده‌ای بین مسکن فقرا و اغنیا موجود است. آنچه که محلات زیبا را از خانه‌های ساده‌تر تفکیک می‌کند وجود

مجموعه‌های ساده متوالی و متحدالشکل است. حال آنکه در نوگرایی جدید، منطقه‌بندی و تقسیم‌بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می‌نماید؛ در يك سو، خانه‌های اشرافی با امکانات رفاهی بسیار افراطی و در سوی دیگر، تراکم شدید شهر در منطقه‌ای فقیرنشین! در شهر اسلامی هر چه از مکان‌های مذهبی و آموزشی فاصله گرفته می‌شود، دایره گسترده‌تر شده و از فشردگی آن کاسته می‌گردد. البته می‌توان جایجایی‌های قومی را در برخی محلات مشاهده کرد؛ همچون محله‌های یمنی‌نشین در اندلس یا اندلسی‌های ساکن در فاس و نیز محله مربوط به موریتانی‌ها در مدینه، اما همه چیز در فضایی منسجم و بدون بریدگی و گسستگی پیچیده شده است. شهر اسلامی در مجموع ناپایداری، فناپذیری، و موقت بودن امور مادی را ترویج می‌نماید و بر ارزش‌های معنوی تأکید دارد.^{۵۱} همان‌گونه که بازار با همه اهمیت حیاتی، شکل مجلل و تشریفاتی به خود نمی‌گرفت و سوای نقاطی که لازمه تمرکز و تبادل فشرده بود، در ارتفاع رشد چندانی نمی‌کرد، مردم به خود اجازه نمی‌دادند مساکن خویش را بلندتر از مسجد قرار دهند و احترام آن را در احداث فضاهاى شهری کاملاً مراعات می‌نمودند. مسجد نیز در ارتباط با مبانی عقیدتی و محدودیت‌های مادی بی آن که از قدرش کاسته شود، ابعادی بیش از آنچه متعارف به حساب می‌آمد به خود نمی‌گرفت. سوای مسجد جامع شهر، که به دلیل اهمیت سیاسی خود در چهارچوب فرهنگی - اجتماعی نمی‌توانست از گرویدن به ابعادی بزرگ و بخصوص رشد در ارتفاع مصون بماند، سایر مساجد

شهرها به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده‌اند که بیش از هر چیز تلفیق حجم هماهنگی محیطی و تداوم فضایی را برای شهروندان پیاده جلوه‌گر می‌سازند. به جدارهای خارجی این مساجد معمولاً توجه چندانی نمی‌شود و صرفاً ورودی‌هایی که به مجموعه فضایی مسجد راه می‌دهند تزیین می‌گردند تا از راه ابعاد بزرگ‌تری که دارا هستند، تمیز دادنشان به راحتی مقدور باشد. این دسته از مساجد هیچ‌گاه فقط يك ورودی ندارند، در حالی که می‌توان غالباً ورودی اصلی آن را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یادآور شد که راهیابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن، چه از شاخه‌های گوناگون فضای مسکونی مسجد و چه از شاخه‌های متفاوت بافت بازارها، مطالبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند داده است.^{۵۲}

در شهرهای ایران، مساجد به همراه زیارتگاه‌ها و تکایا چنان در چشم‌اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می‌شوند که در غالب آن‌ها، تنها ساختمان مرتفع شهری این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری نقش مسجد آن‌قدر تعیین کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می‌دارد، به پاره‌ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی‌دهد و در عین حال، برخی حرفه‌ها را به شدت جذب می‌کند.^{۵۳} شهری که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پیگیر تحقق معماری مذهبی بوده‌اند، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشند. در این صورت، تمامی شهر يك خانه را

⁵² . باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص ۵۸ .

⁵³ . حسین شکویی، جغرافیای شهری، ج ۲، ص ۴۰۵ .

تشکیل می‌دهد. از این رو، برای نشان دادن جامعه شهری، «بیت‌الاسلام» مطرح می‌گردد و در واقع، بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی و کالبدی تفوق می‌یابند.^{۵۴}

در محلات سنتی در پرتو مشترکات درونی و هماهنگی افراد در برگزاری آیین‌های مذهبی و فرهنگی، که غالباً در مسجد محل برپا می‌شوند، افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر در خود احساس می‌کنند. بزرگ محل که معمولاً انسانی متدین، سالخورده و دارای شهرت اجتماعی بالا و منزلت والاست، در جهت اتحاد و ایجاد تفاهم بین اهل محل می‌کوشد و از نزاع‌ها و کدورت‌ها تا حد امکان جلوگیری می‌نماید. ساکنان محل به احترام او رفتار خویش را اصلاح و کنترل می‌نمایند و می‌کوشند هنجارهای مذهبی و سنتی را حفظ کنند. همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می‌یابد، مرزبندی‌های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل می‌برد و گروه‌های غنی در کنار افشار کم درآمد در نهایت صلح و صفا زندگی می‌کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت نموده‌اند؛ زیرا کوشیده‌اند در ساختن خانه، همسایه خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نکنند و زمینه‌های نگاه توأم با گناه را در ساخت و سازها فراهم ننمایند. ورودی خانه‌ها و پوشش روی پلکانی که به بام منتهی می‌گردد، از محراب مساجد و آجرکاری ایوان‌های اماکن مذهبی الهام گرفته‌اند. کمتر خانه‌ای را می‌توان مشاهده کرد که از مساکن مجاور ارتفاع بگیرد. در این محلات میزان جرایم، بزهکاری، و کج‌روی

اجتمای ناچیز و قابل اغماض است. احساس تعلق مردم به فضاهای با ارزش مذهبی، از مشکلات و تنش‌های روانی می‌کاهد و روح امید و آرامش را در ساکنان آنها تقویت می‌نماید.^{۵۵}

در سیمای شهرهای جدید، اعم از ایران و کشورهای اسلامی دیگر، معماران و برنامه‌ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده زلال فرهنگ قرآنی و سنت‌های دینی و بومی بیگانه گشته‌اند و بیش از آنکه مبلغ مظاهر و سبک‌های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه‌های غربی و مادی‌گرایی و گرایش‌های اقتصادی را در ساخت شهرها مدنظر قرار داده‌اند که ارمغان این روند، پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی، فساد و ابتذال و نابسامانی‌های خانوادها می‌باشد.

از بازار آخرت تا بازار دنیا

قال رسول الله ﷺ: «المساجد سوق من اسواق الآخرة قراها المغفرة و تحفتها الجنة». رسول خدا ﷺ فرمود: «مساجد بازاری از بازارهای آخرت است؛ کالای آن مغفرت و ارمغان آن بهشت است».^{۵۶}

در شهرهای مذهبی و سنتی جهان اسلام بین مسجد، که بازار آخرت است، با بازار دنیا ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. معمولاً راسته بازار (سوق) از جلو درهای مسجد آغاز می‌گردد و بازار هم مسجد را تنگاتنگ در بر می‌گیرد و با بافت شهر پیوند می‌خورد و وجود آن زندگی روزمره‌ای را که در بازار جریان دارد تضمین می‌کند. در واقع، بین فضای

⁵⁵ . مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، مشارکت فرهنگی، ص ۱۹۴ .

⁵⁶ . بحارالانوار، ج ۸۴ ، ص ۴ .

مقدس و مکان زندگی، که عالی‌ترین نمونه آن بازار است، فاصله‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، يك نوع تعامل و ارتباط خوب هم به چشم می‌خورد؛ یکی دیگری را تضمین کرده و آن را به تحرك وا می‌دارد و هر دو متفقاً در يك فضا جمع شده‌اند. حاجیان در مکه، که به زیارت مهم‌ترین کانون عبادی جهان اسلام آمده‌اند، این زندگی معنوی و مادی را به نمایش می‌گذارند و این بیانگر آن است که در اسلام بین مادیت و معنویت تضادی وجود ندارد و دنیا هم می‌تواند مزرعه آخرت باشد. *استفانو بیانکا* می‌نویسد: «کانون چنین ترکیب شهری در ارتباط بین مسجد و بازار قرار دارد؛ ارتباطی که بر سنت کهن اسلامی استوار است. حتی خود مکه در عین حالی که زیارتگاه بوده، مرکزی تجاری به حساب می‌آمده است».^{۵۷} بازارها بیشتر در امتداد مهم‌ترین راه‌های اصلی ساخته می‌شدند و در اغلب موارد راسته بازار شاهراه اصلی شهر نیز بود که مهم‌ترین و شلوغ‌ترین دروازه‌ها را به مرکز شهر متصل می‌کرد. در عین حال، مسجد جامع در کنار بازار قرار داشت، موضوعی که هم اکنون نیز در تهران، اصفهان، یزد، کاشان، ناپین، اردستان و زواره شاهد آن هستیم. همین ارتباط با مسجد موجب گردید که بازاری که در وهله اول برای عرضه تولید، تبادل و خرید و فروش کالا شکل گرفت، بعدها کارکردهای متعدد فرهنگی و اجتماعی پیدا کند.^{۵۸}

در واقع، مسجد جامع شهر به دلیل این که رکن اصلی قدرت معنوی و مذهبی به شمار می‌رود، نمی‌تواند جدا یا با فاصله زیاد از بازار موضع بگیرد و متصل به بدنه بازار و درآمیخته با کالبد واحدهای معماری

57 . شهر اسلامی، ص ۱۲ و ۹۸ .

58 . تاریخ هنر معماری ایرانی در دوره اسلامی، ص ۱۷ .

شهری سازنده آن دیده می‌شود. در مثال‌های مزبور، بافت مسکونی مجاور یا پشت بازار از راه ورودی‌های متعدد مسجد جامع به بازار ارتباط می‌یابد و مسجد جامع بیشتر رابطه مستقیم را با بافت مسکونی از يك سو و با بافت بازرگانی - خدماتی از سوی دیگر، برقرار می‌کند.^{۵۹}

لوی ماسینیون خاطر نشان ساخته است در شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، نظیر قاهره، رابطه نزدیکی بین منطقه مرکزی بازارها با مسجد جامع و مخصوصا موقعیت پر رفت و آمد بازار طلافروشان و مرکز صرافان و بازار تسبیح‌فروشان وجود دارد. بنابراین، در ساختارپذیری مراکز شهری، بازار و مسجد جامع نقش قاطع ایفا می‌کردند و حال آنکه عموماً مرکز سیاسی شهر دارای نقش محدود یا ناچیزی بود در همه شهرهای بزرگ تطابق کاملی میان محله بازار و مرکز شهر وجود داشت. ویژگی دوم تمرکزگرایی شدید شهری این است که فعالیت‌های شهر به صورت شعاعی به سمت نواحی بیرون منطقه بازارها و مسجد جامع توسعه می‌یابد. مکان‌یابی فعالیت‌ها از مرکز تقریباً خصوصیت شعاع‌های متحدالمرکز را داشت. فعالیت‌های اقتصادی براساس اهمیتی که داشتند به صورت حلقه‌های محاط بر یکدیگر یا براساس مقدار آلودگی و مزاحمتی که ایجاد می‌کردند و یا براساس نیازشان به فضا مرتب و منظم می‌شدند. اقدامات وقفی که توسط پادشاهان قرن دهم هجری در حلب در جنوب مدینه آن شهر انجام شد، شامل تعدادی بازار می‌گردید که بعضی

از آنها هویت اصیل معماری دارند و به درستی با يك نظام متشکل از طاق‌ها و گنبدها به بناهای وقفی اصلی، یعنی مساجد، متصل و مرتبطند. در تونس محله بازار پیرامون مسجد جامع سازمان یافته بود.⁶⁰ متأسفانه شهرها و شهرک‌های جدید جهان اسلام از چنین ویژگی محرومند.

⁶⁰ . شهرهای بزرگ عربی/اسلامی، ص ۲۵ ، ۵۱ و ۵۷ .

منابع و مأخذ

- ۱ - آثار ایران، آندره گدار [و دیگران]، ترجمه ابوالحسن سرو قدمقدم، مشهد بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ۲ - الاعلاق النفیسه، ابن‌رسته، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۳ - اخبار مکه، ابو الولید محمد بن عبدالله بن احمد (ازرقی)، لایپزیک، ۱۸۵۸ میلادی.
- ۴ - بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه ق .
- ۵ - باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، دکتر محمدمنصور فلامکی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۵ .
- ۶ - تفسیر منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی، تهران، اسلامیة.
- ۷ - تفسیر مجمع البیان، طبرسی.
- ۸ - تاریخ المدینة المنوره، ابوزید عمر بن شبه النمیری البصری، تحقیق محمد شلتوت، قم، دارا، ۱۳۶۸ .
- ۹ - تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، تحقیق و ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- ۱۰ - تاریخ الکوفه، سید حسین بن سید احمد البلاقى، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷ ه ق .
- ۱۱ - تاریخ هنر اسلامی، کریستن پرایس، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۲ - تاریخ ایران، پژوهش‌دانشگاه کمبریج، ج پنجم، ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران امیرکبیر.
- ۱۳ - تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمد یوسف کیانی، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- ۱۴ - تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، حسین سلطان‌زاده، تهران، نشر آبی، ۱۳۶۵ .
- ۱۵ - تأملات در هنر و معماری، حمید نوحی، تهران، گام نو، ۱۳۷۹ .

- ۱۶ - *بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی*، عباس سعیدی رضوانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ .
- ۱۷ - *راز و رمز هنر دینی*، تنظیم: مهدی فیروزان، تهران، سروش، ۱۳۸۰ .
- ۱۸ - «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد»، عباس زمانی، *مجله هنر و مردم*، شماره ۶ .
- ۱۹ - «جوینارهای جاویدان»، عبدالله اصفهانی، فصلنامه *صحیفه مبین*، زمستان ۱۳۷۵ .
- ۲۰ - *سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی*، مارتن، ترجمه پرویز جاوید، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ .
- ۲۱ - *سفرنامه ناصر خسرو*، به کوشش دکتر نادر وزین‌پور، تهران، کتاب‌های جیبی.
- ۲۲ - *سیر فرهنگ در ایران*، دکتر ناصرالدین شاه حسینی.
- ۲۳ - *شهر اسلامی*، نجم‌الدین یمات، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، تهران، ارشاد، ۱۳۶۹ .
- ۲۴ - *شهرنشینی در خاورمیانه*، وینسنت فرانسیس کاستللو، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، تهران، نشر آبی.
- ۲۵ - *سفرنامه ابن‌حبیر*، محمد بن احمد بن حبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ .
- ۲۶ - *شهرهای بزرگ عربی اسلامی*، آندره ریمون، ترجمه حسین سلطان‌زاده، تهران، آگاه، ۱۳۷۰ .
- ۲۷ - *جغرافیای شهری*، ج دوم، دکتر حسین شکویی، تهران، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۴.
- ۲۸ - *الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه*، حمزه الحسن، مؤسسه البقیع للاحیاء تراث، ۱۴۱۳ ه ق .
- ۲۹ - *مستدرک الوسایل*، محدث نوری، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۷ .
- ۳۰ - *میانی هنر موعود*، احمد رضا معتمدی، تهران، برگ، ۱۳۶۸ .
- ۳۱ - *مرآة الحرمین*، ابراهیم رفعت‌پاشا، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۴ ه ق .
- ۳۲ - *مدینة المنوره*، صالح لمعی مصطفی، ترجمه صدیقه وسمقی، تهران،

- ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ .
- ۳۳ - مشارکت فرهنگی، مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، تهران، نشر آبی، ۱۳۷۹ .
- ۳۴ - معماری و تزئینات اسلامی، درک هیل و اولک گرابر، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، علمی فرهنگی.
- ۳۵ - کوفه پیدایش شهر اسلامی، هشام جعیت، ترجمه ابوالحسن سرو قدمقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ .
- ۳۶ - فضل الكوفه ومساجدها، محمدبن جعفرالمشهدی، تحقیق محمدسعید طریحی.
- ۳۷ - نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان.
- ۳۸ - ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، احمد اشرف، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴ .
- ۳۹ - وسائل الشیعه فی تحصیل مسایل الشریعه، حر عاملی، بیروت، داراحیاء تراث العربی.
- ۴۰ - هنر اسلامی، دیوید تالبوت رایس، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۵ .
- ۴۱ - هنر اسلامی، ارنست کونل، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، ۱۳۵۵ .
- ۴۲ - دیار ابرار، پژوهشکده باقرالعلوم، ج ۷، قم، ۱۳۷۳ .